



## مِن طَرَائِفِ الْحِكْمَةِ\*

«أُبْكِي عَلَى حَالِكَ»

قِيلَ إِنَّ بَهْلُولاً<sup>١</sup> دَخَلَ يَوْمًا قَصْرَ الرَّشِيدِ،  
فَرَأَى الْمَسْنَدَ الْخَاصَّ لَهُ فَارْغًا\*. فَجَلَسَ  
عَلَيْهِ لِحِظَةً جُلُوسَ الْمُلُوكِ، فَرَأَهُ الْخَدَمُ\*،  
فَضْرَبُوهُ ضَرْبًا شَدِيدًا وَ سَحَبُوهُ\* عَنِ مَسْنَدِ

الرَّشِيدِ. وَ فِي هَذِهِ اللَّحِظَةِ دَخَلَ هَارُونُ الْقَصْرِ وَ رَأَى «بَهْلُولًا» جَالِسًا يَبْكِي.  
فَسَأَلَ الْخَدَمَ عَنِ السَّبَبِ، فَقَالُوا: رَأَيْنَاهُ جَالِسًا عَلَى مَسْنَدِكَ، فَضَرَبْنَاهُ تَأْدِيبًا لَهُ.  
فَأَشْفَقَ\* الرَّشِيدُ عَلَى بَهْلُولٍ وَقَالَ لَهُ:

لَا تَبْكِي يَا صَدِيقِي. إِنِّي سَأَعِاقِبُ\* الْخَدَمَ.

فَأَجَابَ بَهْلُولٌ: يَا هَارُونُ، إِنِّي لَا أُبْكِي عَلَى حَالِي وَ لَكِن أُبْكِي عَلَى حَالِكَ. أَنَا  
جَلَسْتُ عَلَى مَسْنَدِكَ لِحِظَةً وَاحِدَةً فَعَوِيقْتُ بِهَذَا الضَّرْبِ الشَّدِيدِ، وَأَنْتَ جَالِسٌ فِي هَذَا  
الْمَكَانِ طَوْلَ عَمْرِكَ فَكَيْفَ سَتُعَاقِبُ فِي الْآخِرَةِ؟!

«مِن حَدِيثِ لِقْمَانَ<sup>٢</sup> الْحَكِيمِ لِوَلَدِهِ»

سَمِعْتُ الْكَثِيرَ مِنْ حِكْمِ الْأَنْبِيَاءِ، فَاخْتَرْتُ لَكَ ثَمَانِي؛ مِنْهَا:

إِنْ كُنْتَ فِي الصَّلَاةِ فَاحْفَظْ قَلْبَكَ.

وَإِنْ كُنْتَ فِي مَجَالِسِ النَّاسِ فَاحْفَظْ لِسَانَكَ.

وَإِنْ كُنْتَ فِي بُيُوتِ النَّاسِ فَاحْفَظْ بَصْرَكَ.

وَإِنْ كُنْتَ عَلَى الطَّعَامِ فَاحْفَظْ مِعْدَتَكَ.

إِثْنَانِ لَا تَذْكُرْهُمَا أَبَدًا: إِسَاءَةُ\* النَّاسِ إِلَيْكَ وَ إِحْسَانُكَ إِلَى النَّاسِ.

وَإِثْنَانِ لَا تَنْسَهُمَا أَبَدًا: اللَّهُ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ.

١- مِنْ عُقْلَاءِ الْمُجَانِينِ ٢- أَحَدِ الْحُكَمَاءِ الْقُدَامَى هُوَ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ نَبِيًّا سُمِّيَتْ إِحْدَى سُورِ الْقُرْآنِ بِاسْمِهِ

# المفعول المطلق و المفعول له

## المفعول المطلق

۱

به دو گروه از جملات زیر در زبان فارسی توجه کنیم:

۲  
دانش آموز کوشا قطعاً موفق می‌شود.  
راستگویی انسان را مطمئناً نجات می‌دهد.  
به عهدم کاملاً پای بندم.

۱  
دانش آموز کوشا موفق می‌شود.  
راستگویی انسان را نجات می‌دهد.  
به عهدم پای بندم.

— در کدام یک از مجموعه‌ها انجام فعل، با تأکید و اطمینان بیش‌تری بیان شده است؟  
— این تأثیر را مدیون حضور چه کلماتی می‌دانید؟

در زبان فارسی هرگاه تحقق یافتن فعلی مورد تردید  
شنونده قرار گیرد، برای تأکید و اطمینان می‌توان از کلماتی  
چون: مسلماً، یقیناً، حتماً و ... استفاده کرد.

بدانیم

آیا در زبان عربی نیز می‌توان چنین جملاتی را با تأکید بیان کرد؟

سؤال:

به دو عبارت زیر و ترجمه آن‌ها توجه کنید:

۱ یَجْتَهِدُ الطَّالِبُ فِي الدَّرْسِ . «دانش آموز در درس تلاش می‌کند.»

۲ یَجْتَهِدُ الطَّالِبُ فِي الدَّرْسِ إِجْتِهَادًا . «دانش آموز در درس مسلماً تلاش می‌کند.»

— با توجه به ترجمه، کدام عبارت به قصد تأکید و رفع تردید بیان شده است؟

— چه کلمه‌ای را علت این امر می‌دانید؟

— «اجتهاداً» چه نوع اسمی است؟

— آیا به یکی از وظایف مهم مصدر در جملات پی‌بردید؟

به کمک مصدر در این جمله تأکید و رفع تردید صورت گرفت.

آیا می‌دانید معادل این نقش  
در زبان فارسی چه نام  
دارد؟

بدانیم

هرگاه انجام فعلی نیاز به تأکید و رفع ابهام داشته باشد، مصدر آن فعل به کمک می‌آید. به چنین مصدری در زبان عربی «مفعول مطلق» می‌گویند.

بدانیم

در عبارت «يَجْتَهِدُ الطَّالِبُ فِي الدَّرْسِ اجْتِهَاداً»، مصدر به همراه فعل خود آمده است. به این نوع مفعول مطلق، «مفعول مطلق تأکیدی» می‌گویند.

لِلتَّدرِيبِ

عَيْنِ الْمَفْعُولِ الْمَطْلُوقِ :

نَزَّلَ اللَّهُ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا. «خداوند قرآن را یقیناً نازل فرمود.»  
نَحْرِضُ عَلَى مَصَاحِبَةِ الْأَخْيَارِ \* حِرْصًا. «مسئلاً به هم نشینی با نیکان مشتاقیم.»

بادقت در مثال‌های فوق تعیین کنید مفعول مطلق دارای کدام یک از ویژگی‌های زیر است :

مرفوع

از ریشه فعل خود

مصدر

منصوب

غیر هم ریشه با فعل خود

مشتق

نکته ۱

در دو عبارت زیر پس از تعیین مفعول مطلق به سؤالات پاسخ دهید.

﴿أذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾ «خداوند را بسیار یاد کنید.»  
يَعِيشُ الْبَخِيلُ عَيْشَةَ الْفُقَرَاءِ. «بخیل مانند فقرا زندگی می‌کند.»

۱- دو کلمه «کثیراً» و «الفقراء» به ترتیب چه نقشی دارند؟

مضاف الیه، مضاف الیه  صفت، مضاف الیه

۲- با توجه به نقش، این دو کلمه چه توضیحی را برای مصدر خود دربر دارند؟

زمان انجام فعل  نوع انجام فعل  مکان انجام فعل

## بدانیم

گاهی مفعول مطلق، با کمک کلمه بعد از خود، نوع انجام فعل را بیان می‌کند. به این نوع مفعول مطلق، «مفعول مطلق نوعی یا بیانی» می‌گویند.

### نکته ۲

به عبارات زیر توجه کنید:

صَبْرًا عَلَى الشَّدَائِدِ. «در برابر مشکلات شکیبا باش.»  
حَمْدًا لِلَّهِ عَلَى نِعْمَائِهِ. «خدای را به خاطر نعمت‌هایش سپاسگزاری کن.»

کلمات «صبراً» و «حمداً» مصدر و منصوب هستند، اما فعل هم‌ریشه آن‌ها کجاست؟

## بدانیم

گاهی مفعول مطلق به تنهایی و بدون فعل می‌آید؛ در این صورت آن را مفعول مطلق برای فعل محذوف می‌دانیم.

مهم‌ترین مصادری که بدون فعل ذکر می‌شوند، عبارت است از:  
حَقًّا (به راستی)، أَيْضًا (هم‌چنین)، جِدًّا (واقعاً، بسیار)، شُكْرًا (متشکرم)،  
سَمْعًا و طَاعَةً (به چشم، اطاعت می‌شود)، سُبْحَانَ اللَّهِ (خداوند منزّه است)،  
مَعَاذَ اللَّهِ (به خدا پناه می‌برم) و ...

### المفعولُ لَهُ

۲

اکنون با کاربرد دیگری از مصدر آشنا می‌شویم.

به عبارت زیر و ترجمه آن توجه نمایید و به سؤالات پاسخ دهید:

يُصَلِّي الْمُؤْمِنُ قَرَبَةً إِلَى اللَّهِ. «مؤمن به خاطر نزدیک شدن به خدا نماز می‌خواند.»

- ۱- «قُرْبَةً» چه نوع کلمه‌ای است؟  فعل  مصدر
- ۲- «قُرْبَةً» چه مفهومی را بیان می‌کند؟  انجام فعل  علت انجام فعل

نتیجه:

«قُرْبَةً» مصدری است که علت «نماز خواندن» را بیان کرده است.

مصدر می‌تواند علت و سبب وقوع فعل را بیان کند.  
به چنین مصدری «مفعول له» یا «مفعول لِأَجْلِهِ» می‌گویند.

بدانیم

لِلتَّدریب

عَيْنِ الْمَفْعُولِ لَهُ :

الْمُؤْمِنُ يَتْرُكُ الْمَعْصِيَةَ حَيَاءً مِنَ اللَّهِ .

«مؤمن به خاطر شرم از خدا، گناه را ترک می‌کند.»

در ترجمه «مفعول له» از چه کلمه‌ای می‌توان استفاده کرد؟

با توجه به مثال‌های ذکر شده تعیین کنید مفعول له دارای کدام یک از ویژگی‌های زیر است.

هم ریشه با فعل خود

مجرور

مصدر

غیر هم ریشه با فعل خود

منصوب

اسم فاعل

«مفعول مطلق» و «مفعول له» در فارسی از جمله قیود به‌شمار می‌روند. وظیفه آن‌ها «مقید کردن» فعل است.

۱- مفعول مطلق، چگونگی وقوع «فعل» را نشان می‌دهد و با آن را تأکید می‌کند:

کانوا یقیمون صلاة اللیل کثیراً: نماز شب زیادی را برپا می‌داشتند (ترجمه غلط).

نماز شب را زیاد برپا می‌داشتند (ترجمه صحیح).

۲- برای ترجمه مفعول مطلق تأکیدی و بیانی از قیود تأکیدی و بیانی نظیر: بی‌شک، بسیار، همچون و

... استفاده می‌کنیم.

۳- در ترجمه مفعول له از کلماتی مانند: برای، به‌خاطر، به‌جهت و ... استفاده می‌شود

متن زیر را بخوانید و پس از پاسخ دادن به سؤالات، آن را ترجمه کنید:

### النجوم الزاهرة

كان دور الطالاب متميزاً في الحرب المفروضة فساحات القتال لا تنسى شجاعة هذه النجوم الزاهرة كانوا يقيمون صلاة الليل كثيراً و يُرتلون القرآن و الأدعية في الخنادق ترتيباً و عند القتال يهاجمون العدو مهاجمة الأسود حباً للشهادة في سبيل الله

نحن قدمنا الجواهر الثمينة من الشبان في هذه الحرب حتى استطعنا أن نقف أمام هجوم الأعداء فدعوا الله أن يوفقنا لحفظ أمانة أضدقنا الشهداء و تحقق آمالهم في بناء مجتمع سعيد على أساس الحق و العدالة

\*\*\*

انتخب الجواب الصحيح:

معنى المفردات

- |   |                 |   |                 |   |                |
|---|-----------------|---|-----------------|---|----------------|
| ○ | تاریک           | ○ | وحشتناک         | ○ | درخشان         |
| ○ | حیاط            | ○ | میدان           | ○ | باغ            |
| ○ | با دقت می‌خواند | ○ | با دقت می‌نویسد | ○ | با دقت می‌ریزد |
| ○ | بیابان          | ○ | چاه             | ○ | سنگر           |
| ○ | تحمیلی          | ○ | تجملی           | ○ | واجب           |

معنى العبارات

- الف - قدمنا الجواهر الثمينة من الشبان: گوه‌های گران‌بیمتی از جوانان را تقدیم کردیم ○
- ب - قدمنا الجواهر الثمينة من الشبان: گوه‌های گران‌بیمتی از جوانان ما را مقدم نمودند ○
- ج - فدعوا الله أن يوفقنا: از خدا می‌خواهیم ما را موفق کند ○
- د - فدعوا الله أن يوفقنا: به درگاه خدا دعا می‌کنم مرا موفق کند ○

القواعد:

- فاعل «لا تنسى»: أنت ○ شجاعة ○ هي ○



### التمرین الأول

عین المفعول المطلق و المفعول له :

- ۱- ﴿وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً﴾
- ۲- ﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا﴾
- ۳- ﴿لَا تُبْطِلُوا صِدْقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ﴾
- ۴- خَيْرُ الْعِبَادَةِ هِيَ الَّتِي نَفَعَلُهَا حُبًّا لِلَّهِ تَعَالَى.
- ۵- يَعِشُ الْبَخِيلُ فِي الدُّنْيَا عَيْشَ الْفُقَرَاءِ وَيُحَاسِبُ فِي الْآخِرَةِ حِسَابَ الْأَغْنِيَاءِ.



### التمرین الثاني

اِنتَخِبِ التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ :

الف) ﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾ : هرکه از خدا و پیامبرش اطاعت کند، ...

- ۱- قطعاً به رستگاری عظیمی دست می یابد.
- ۲- رستگاری عظیمی را از آن خود کرده است.
- ۳- سعادت و رستگاری او عظیم خواهد بود.

ب) ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأَعْدَبْنَاهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا﴾ : و اما کسانی که کافر شدند ...

- ۱- به سختی عذاب خواهند شد.
- ۲- برای آنان است مجازاتی دردناک.
- ۳- به سختی عذابشان می کنم.

### التمرین الثالث

عَيِّنْ إعراب «ذَكَرًا» في الآياتِ التالية :

١- ﴿قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا﴾

٢- ﴿وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا﴾

٣- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾

### التمرین الرابع

للتعريب :

١- ما باید در درس هایمان بسیار تلاش کنیم.

٢- مؤمن خدا را به خاطر عشق به او عبادت می کند.

### التمرین الخامس

عَيِّنِ المرادف و المضاد : (=, ≠)

الفارغ □ المملوء    إختار □ إنتخب    الإساءة □ الإحسان



جمال لفظ و معنی

الفاظ «مَرَكَبٍ» معانی و وسیله اظهار مفاهیم و مقاصد هستند. معانی هر چند پربار و پر محتوی باشند، نیازمند وسیله ای زیبا و مناسب هستند تا بتوانند بر گوش مخاطبان و مستمعان بهترین تأثیر را بگذارند.

قرآن کریم به عنوان معجزه پیامبر اسلام، گذشته از آن که حاوی معانی والا و مفاهیم گران سنگ است، دارای زیباترین ساختار و مناسب ترین قالب ها برای القای معانی در دل مخاطبان است. از جمله مواردی که در قرآن کریم به منظور رعایت زیبایی قالب و حسن ظاهر رعایت شده است،

به منظور رعایت اصل زیبایی شناسی، گاه کلماتی حروف خود را از دست می دهند و یا حتی اسم هایی از جمله حذف می شود

حذف بعضی از اجزاء کلمه و یا جمله است.

رعایت «تناسب» و «تعادل» از اصول زیبایی شناسی است

به آیات زیر توجه کنیم :

— ﴿عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ﴾ [المتعالی] (الرعد : ۹)

[او] عالم به غیب و آشکار است، بزرگ و برتر است.

چرا حرف «یاء» از کلمه «الْمُتَعَالِ» حذف شده است؟ اگر به سوره «رعد» مراجعه کنیم می بینیم کلمات آخر آیات ماقبل در آیه مزبور، همگی به کسره ختم شده است. از این رو حرف «یاء» برای حفظ «تناسب» و «تعادل» حذف شده است.

— ﴿فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ﴾ [عقابی] (الرعد : ۳۲)

پس کیفر من چگونه بود؟

ضمیر «یاء» در «عقابی» نیز به همین علت حذف شده است.

\*\*\*

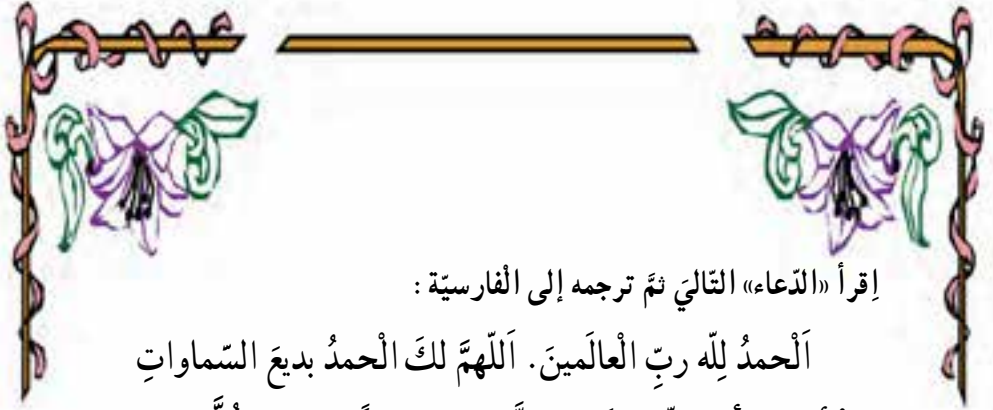
در آیات زیر کدام جزء از کلمه حذف شده است؟

۱- ﴿رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ﴾ پروردگارا، دعای مرا بپذیر.

۲- ﴿إِلَيْهِ أَدْعُوْا وَإِلَيْهِ مَأْبِ﴾ به سوی او می خوانم و بازگشت من به سوی اوست.

۳- ﴿إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُنِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ﴾

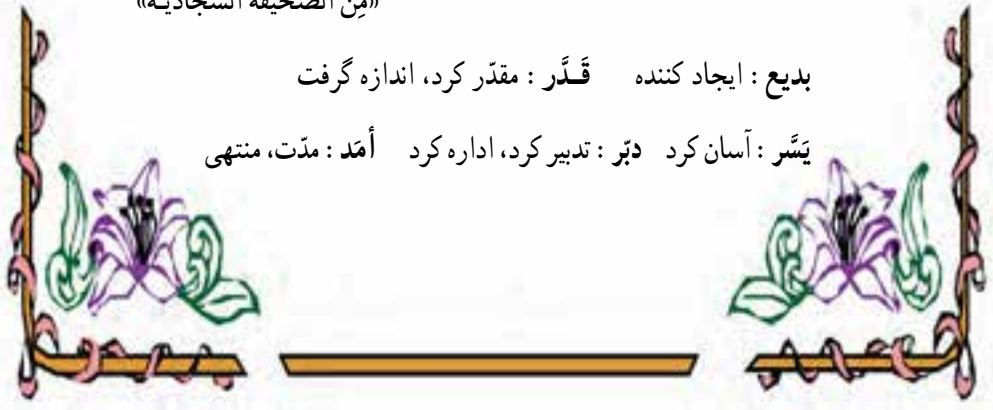
هنگامی که بندگانم درباره من از تو پرسند، من نزدیکم و به ندای کسی که مرا بخواند پاسخ می دهم.



إقرأ «الدعاء» التالي ثم ترجمه إلى الفارسية :

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بَدِيعِ السَّمَاوَاتِ  
وَالْأَرْضِ. أَنْتَ الَّذِي قَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا وَيَسَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ  
تَيْسِيرًا وَدَبَّرْتَ مَا دُونَكَ تَدْبِيرًا. أَنْتَ الَّذِي جَعَلْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَمْدًا.  
سُبْحَانَكَ، قَوْلُكَ حُكْمٌ وَقَضَاؤُكَ حَتْمٌ وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا  
خَالِدًا بِنِعْمَتِكَ وَشُكْرًا يَفْضُرُ عَنْهُ شُكْرُ كُلِّ شَاكِرٍ.

«من الصحيفة السجادية»



بدیع : ایجاد کننده      قَدَّرَ : مقدر کرد، اندازه گرفت

يَسَّرَ : آسان کرد      دَبَّرَ : تدبیر کرد، اداره کرد      أَمَدٌ : مدت، منتهی